روزنامه شرق

ولادت حضرت امام محمد باقر(ع) را تبریک می‌گوییم

سه‌شنبه ۶ اسفند ۱۳۹۸ • ۱ رجب ۱۴۴۱ • ۲۵ فوریه ۲۰۲۰

سال هفدهم • شماره ۳۶۵۶ • ۱۶صفحه • ۴۰۰۰ تومان

واکنش روحانی به قرارگرفتن در لیست سیاه FATF

آنها که بهانه به دست آمریکا دادند، پاسخ‌گو باشند

گروه سیاست: روز یکشنبه رئیس‌جمهور، دو روز بعد از اینکه اعلام شد «گروه ویژه اقدام مالی (FATF)» ایران را در لیست سیاه قرار داده است، در جلسه هیئت دولت به آن واکنش نشان داد و گفت: «اینک وقت آن است آنها که بهانه...

صفحه ۲

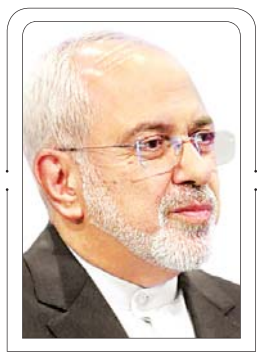

فرصتی که آمریکا باید غنیمت بشمرد

نخ باریک ارتباط تهران- واشنگتن

گروه دیپلماسی: در روزهای گذشته، دیدار محرمانه یک سناتور آمریکایی با وزیر خارجه ایران در مونیخ خبرها، حاشیه‌ها و جنجال‌هایی در دو پایتخت، به‌ویژه در واشنگتن ایجاد کرد. کریس مرفی دموکرات که مانند محمدجواد ظریف...

صفحه ۱۵

کلیات لایحه بودجه ۹۹ با کسری ۲۰۰ هزار میلیارد تومان در مجلس رد شد

فرار از تصویب بودجه

شبح کرونا در بهارستان / نماینده قم: اسامی ۴۰ نفر از فوت‌شدگان را به معاون وزیر داده‌ام

صفحه‌های ۲ و ۴

صفحه ۳

تیترها

سوداگران کرونا

پلمب ۱۸ داروخانه به دلیل گران‌فروشی ماسک در کشور

صفحه‌های ۴ و ۱۳

مبارزه با کرونا مقاومت ملی و بی‌تدبیری دولتی

صفحه ۱۳

برگزاری دادگاه غیرعلنی روح‌الله زم

صفحه‌های ۶

دست‌های پنهان در تشدید رخداد سیل

صفحه ۸

جدی بگیرید تب، سرفه، تنگی‌نفس

صفحه ۱۲

سپاهان - پرسپولیس جنجال داخلی خطر خارجی

صفحه ۱۴

سرمقاله

رد کلیات بودجه ۹۹ و گسیختگی نظم حقوقی

کامبیز نوروزی

کلیات بودجه سال ۹۹ در مجلس رد شد. برای سال ۹۹ دولت فاقد قانون بودجه است و باید تا انجام تشریفات قانونی چندین ماه از سال ۹۹ را با بودجه یک‌دوازدهم دخل‌وخرج خودش و مردم سروسامان بدهد؛ یعنی درآمد و هزینه خود را به شکل ماهانه تنظیم کند. علاوه بر این وقتی بعد از چند ماه ابتدایی سال ۹۹، قانون بودجه تصویب شود، تا مقدمات اجرائی آن فراهم شود، سال تقریبا به اتمام رسیده است. در واقع سال ۹۹ عملا با بودجه یک‌دوازدهم خواهد گذشت و بی‌برنامگی و ناکارآمدی‌ها فزونی خواهد یافت. به عبارت دیگر سال ۹۹ درآمد و هزینه دولت به‌طورکلی فاقد برنامه و نظم مشخص خواهد بود. دولت مثل آدم‌های روزمزدی که دخل‌وخرجشان را برای یک روز می‌توانند تنظیم کنند، دخل‌وخرجش را روزمره و بدون هر افق باید ترتیب دهد. این اتفاق در شرایطی می‌افتد که عوامل متعدد دیگر اقتصادی و سیاسی داخلی و خارجی به‌علاوه سوءمدیریت‌های گسترده و ناکارآمدی مدیریتی، مدت‌های زیادی است نظم حقوقی اقتصاد کشور، در کنار نظم سیاسی کشور را مختل کرده است. رفتار اقتصادی و سیاسی کشور از قوانین و مقررات و موازین حقوقی تبعیت نمی‌کند و در دل اختلال نظم، روزمرگی مفرط بر نظام تصمیم‌گیری و اجرائی چیره شده است. پاشیدگی نظم حقوقی اقتصاد در این سال‌ها در شرایطی بوده که چیزی به نام قانون بودجه سالانه حداقل روی کاغذ وجود داشت و معیارها و ضوابطی برای تنظیم رفتار اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دولت و سایر سازمان‌های حکومتی وجود می‌داشت. تصمیم مجلس به ردکردن کلیات لایحه بودجه، به معنای آن است که بی‌نظمی و روزمرگی و بی‌برنامگی‌های دستگاه‌ها و سازمان‌های مختلف کشوری بیش از پیش توسعه‌یافته و گسترده می‌شود. اقتصاد لجام‌گسیخته و مدیریت ناکارآمد عمومی، اوضاع وخیم‌تری می‌یابد. اگرچه به‌ویژه در سال‌های اخیر قوانین بودجه سالانه بیشتر ارزش کاغذی داشته‌اند تا تأثیر واقعی بر تنظیم دخل‌وخرج و برنامه‌های نهادها و سازمان‌ها و دستگاه‌های کشور، ولی همین مقدار هم برای تعیین ضوابطی برای حداقلی از نظم حقوقی در توزیع و هزینه‌کرد منابع ضروری است. ممکن است استدلال مخالفان لایحه بودجه ۹۹ درست بوده باشد. بحثی نیست. کمااینکه گروه اقتصادی دولت در سال‌های اخیر عملکردی بسیار ضعیف و پراشتباه داشته و بسیاری از اقتصاددانان انتقادهای اساسی فراوانی به آنها داشته‌اند. حتی در اخبار شنیده می‌شد که جریان‌های اقتصادی پرقدرت، تأثیر منفعت‌طلبانه زیادی بر این لایحه گذاشته‌اند؛ اما نکته اینجاست که بحران نظم در حوزه اقتصاد ایران در مرزهای پرمخاطره‌ای حرکت می‌کند. تاآنجاکه می‌توان گفت اقتصاد و امور پولی و مالی کشور نه‌تنها به شکلی بی‌سابقه خارج از حدود قانونی و حقوقی رفتار می‌کند، بلکه فساد (که ذاتا و اساسا غیرقانونی و مجرمانه است) به حیات رو به رشد خود ادامه می‌دهد، به‌همین‌دلیل باید با وجود همه انتقادها کلیات را تصویب و جزئیاتش را با تغییرات اصلاح می‌کردند...

ادامه در صفحه ۴

یادداشت

طباطبایی و ادامه جهان ما

مجید اسدی

در دوردست‌ترین جای جهان ایستاده‌ای
در کنار من.
من هم در این سوی جهان ایستاده‌ام
در کنار تو.
که جهان من و تو مشترک است.[1]

دکتر طباطبایی، فیلسوف ایرانی و نظریه‌پرداز ایرانشهری را نیازی به معرفی نیست. او پس از دهه‌ها تلاش ارجمند اندیشگی، توانسته است سرهای سرگردان زیادی را به‌سوی خود برگرداند که اوج تولید این سرگردانی و گم‌بودگی را در سده اخیر یعنی بعد از مشروطه شاهد بوده‌ایم. در این مجال اندک قصد ورود به این معضل یعنی سرگشتگی نیست، اما دکتر طباطبایی توانست این سرهای سرگردان را در جغرافیای سیاسی و فرهنگی آنها دوباره مستقر کند و آنها را از بی‌راه‌ها که آوارگی در آنها بی‌شمار است، نجات دهد تا بتوانند ایرانی بمانند و ایرانی بیندیشند.

در بدو امر باید گفت این ایرانی‌ماندن و ایرانی‌اندیشیدن، نه مزیتی معمول، سطحی و سیاسی است، نه خودبرتربینی احساسی و نژادی و نه نیز راهی به ناسیونالیسم که این مفهوم وارداتی غربی اصولا در فرهنگ ایران جایگاهی ندارد.

بلکه ایرانی‌ماندن و ایرانی‌اندیشیدن، ناظر به این معنی است که انسان تاریخی جهان‌مند، تنها با ادامه خود می‌تواند ادامه مسیر دهد و جهان را هم با چشمان تاریخی خود می‌بیند، تازمانی‌که به زیستن در جغرافیای خود که تاریخ‌ها بر آن بار شده است، ادامه می‌دهد. در غیر این صورت، از خودی تاریخی خود خلع می‌شود و بدیهی است که ادامه هر مسیری، ادامه مسیر تا آن لحظه پیموده‌شده او نیست، بلکه مسیر طی‌شده دیگری است که اگر احیانا او بتواند آن مسیر را ادامه دهد، در ادامه تاریخ دیگری قرار می‌گیرد؛ یعنی به جهان دیگری مهاجرت می‌کند که این تغییر مسیر و مهاجرت این‌گونه را استحاله می‌نامیم و در میادین سیاست و منافع ملی نیز مسلم است انسانی که ادامه مسیر دیگری باشد و اگر تازه در بیراهه‌های گم‌بودگی و سرگردانی نماند و چنانچه گفتم، اگر احیانا بتواند در ادامه تاریخ دیگری قرار بگیرد، نمی‌تواند بیگانه از آگاهی ملی کسب منافع ملی کند. بر این اساس ایرانی‌بودن نه‌تنها داشتن حق سهم مشاع و موروثی از مواهب این جغرافیاست که در درجه بالاتر و بااهمیت‌تر، زیستن در جهان ایرانی و سعی در خواندن و استقرار نوبه‌نوی این جهان و به تبع آن استقرار نوبه‌نوی خود است. بر این اساس دکتر طباطبایی در این چند دهه تلاش اندیشگی خود، علاوه بر ورود به نواحی گوناگون تمدن ایرانی و ارائه تحلیل‌های روشمند و جدید، به این نکته نیز توجه می‌دهد که باید ایرانی بود تا ایرانی اندیشید، تا بشود حرف زد. در غیر این صورت حرفی برای گفتن نیست (درک من از این نوشته‌ها) و اعتقاد دارم که در ایران معاصر، به‌ویژه در این چند دهه، تنها این دکتر طباطبایی است که به‌عنوان فیلسوف ایرانی به مفهوم دقیق کلمه، توانسته است تولید متنی ایرانی کند؛ یعنی ایرانی بیندیشد. بر این بنیاد هرچند دیگرانی تلاش می‌کردند راهی به دهی بگشایند؛ اما ازآنجایی‌که مفاهیم و مضامین تلاش‌های خود را، یا به سخن دیگر، تلاش‌های خود را براساس مفاهیم و مضامین جغرافیای سایر بنا کرده بودند، نتوانستند جز اغتشاش جهان ما کاری را به انجام برسانند و اگر احیانا مترجمان خوبی بودند و زبان دیگری را به مفهوم فلسفی کلمه می‌فهمیدند، جز انتقال دانش از فرهنگ دیگر که کار بسیار شایسته‌ای است، علمی را نتوانستند براساس مبانی این جغرافیا تأسیس و تولید کنند، زیرا مفاهیم سرزمین‌های سایر در جواب پرسش آن سرزمین تولید شده است و در این سرزمین، ما به تولید پرسش و پاسخ مرتبط با خود نیاز داریم که بی‌شک، این پرسش‌ها و به تبع آن پاسخ‌ها، از لون دیگری خواهد بود و این طباطبایی است که واقعیت حال تاریخ ایران از گذر ضمیر تاریخی او، به جایگاه درست خود برای پاسخ به پرسش‌ها قرار گرفته است. از طرف دیگر، یکی از مشکلات «خواندن متون» خلق‌شده توسط طباطبایی، همان مشکلی است که بیشتر در صد سال اخیر دامن‌گیر ماست و آن هم دورشدن از تاریخ ایران و به تبع آن، عدم توانایی ما در خواندن این تاریخ است که این نخواندن یا نتوانستن، خود را در رویارویی با آثار طباطبایی نشان می‌دهد. بدیهی است که اگر ما می‌توانستیم تاریخ برزمین‌مانده خود را بخوانیم، یعنی دارای زبانی غنی بودیم، می‌توانستیم آثار طباطبایی را به محک نقد زده و نقاط ضعف و قدرت آن را بنمایانیم و آن را بسط دهیم تا گام جدیدی برمی‌داشتیم...

ادامه در صفحه۲

حرف اول

انتخاباتی برای غربالگری اصلاحات

علی شفیعی . پژوهشگر

جمعه دوم اسفندماه گذشت با تمام اماواگرها و شایدوبایدهایش و ما مانده‌ایم و پیامدهای مثبت و منفی آن.مهم‌ترین رهاورد این روز به‌یادماندنی- از زوایای مختلف- برای اصلاح‌طلبان به گمان بنده ارسال پیام ضرورت غربالگری در اردوگاه اصلاح‌طلبی در دو ساحت اندیشه و نیروی انسانی بود که آواز آن از سحرگاه روز سوم اسفند شروع شد.همان‌گونه که روشن است، اصلاح‌طلبی -در سپهر سیاست- در دوران معاصر محصول یک اندیشه نبود؛ چراکه منادیان نواندیشی دینی و اصلاح‌طلبی اجتماعی هیچ‌گاه در یک بازه زمانی طولانی نتوانستند با اصلاح‌طلبان عرصه سیاست گرد هم آیند و دور یک میز بنشینند، بلکه فرزند یک واقعه -دوم خرداد- بود و بنابراین بهره اندیشگی در آن به غایت نحیف است و دوم اسفند نشان داد هر حرکت که ریشه در اندیشه و تفکر نداشته باشد، دیر یا زود به ابتذال در تصمیم و اقدام خواهد رسید.به‌راستی آیا زمان آسیب‌شناسی رویکرد اصلاح‌طلبی در ساحت سیاست‌ورزی هنوز نرسیده است؟ آیا نباید بازگشتی به چرایی شکل‌گیری جریان اصلاح‌طلبی سیاسی و رفتارهای نزدیک به سه دهه اصلاح‌طلبان داشته باشیم و درباره آنها گفت‌وگو کنیم؟ آیا زمان چینش مهره‌های پرانرژی و فعال در ساحت تصمیم‌سازی و عملیات آن فرانرسیده است؟ جمعه دوم خرداد را روز غربالگری در جریان اصلاحات می‌دانم. روزی که برخی چاره‌ای ندارند تا عرصه را به نسل جوانی واگذارند که دیگر نه به‌دنبال قدرت‌طلبی به نام «مصلحت‌اندیشی» هستند و نه اخلاق را فدای سیاست می‌کنند. جریان اصلاح‌طلبی نیازمند تغییر بنیادین است و ضرورت دارد به بازسازی خود در ساحت اندیشه و به تبع آن در عرصه عمل عمومی بپردازد و چهار سال پیش‌رو فرصت کمی نیست. اصلاحات باید پاسخ دهد چه چیز را می‌خواهد اصلاح کند؟ تقریرش از دنیا و دین؟ تصویرش از حکمرانی؟ یا... ؟ اصلاح‌طلبان هر اصلی را به‌جز «ضرورت روزآمدی ساحت‌های متعدد زیست انسانی البته مبتنی بر محوریت اخلاق» برای خود برگزینند، چه در ساحت دین‌داری و چه در ساحت و سپهر سیاست، دیر یا زود به همین‌جایی می‌رسند که الان در آنجا قرار دارند؛ جایی که باید برای بقای خویش تن به رفتارهای غیرحرفه‌ای و مصلحت‌اندیشانه بدهند.

ادامه در صفحه ۴

ارتباط با روزنامه شرق
SHARGHLINE
@ SHARGHDAILY.IR

الو شرق
۸۸۹۴۸۲۷۳

پیام کوتاه
۳۰۰۰۴۶۹۹

sharghline@sharghdaily.ir

www.sharghdaily.ir